

هم‌زمان با ادامه مینانجی گری پاکستان، قطر و روسیه، گزارش ها از آماده سازی گزینه‌های نظامی آمریکا و اسرائیل برای احتمال ازسرگیری حملات حکایت دارند.
باین حال، هنوز تصمیم قطعی واشنگتن برای آغاز عملیات تازه اعلام نشده است.
در این شرایط، پرسش اصلی آن است که آیا افزایش فشار نظامی و اقتصادی می‌تواند تهران را به پذیرش شروط آمریکا وادار کند یا دور تازه درگیری، بحران را به امنیت انرژی منطقه و اقتصاد جهانی گسترش خواهدداد؟
اکوایران نوشت؛ با وجود افزایش تنش میان تهران و واشنگتن، کانال‌های مینانجی‌گری هنوز به‌طور کامل مسدود نشده‌اند.
تحرکات پاکستان، قطر و روسیه نشان می‌دهد بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همچنان می‌کشند از تبدیل بن بست سیاسی به دور تازه‌ای از رویارویی نظامی جلوگیری کنند.
با این حال، ادامه تماس‌ها لزوماً به معنای نزدیک شدن دو طرف به توافق نیست؛ زیرا اختلاف اصلی، علاوه بر محتوای توافق، به ترتیب اجرای تعهدات و میزان اعتماد متقابل نیز مربوط می‌شود.
سفر عاصم میر، فرمانده ارتش پاکستان، به تهران و دیدار او با مقام‌های ایرانی در همین چارچوب قابل ارزیابی است.
گزارش‌هایی از تلاش اسلام‌آباد برای نزدیک‌کردن مواضع دو طرف و طرح موضوع پرونده هسته‌ای و امنیت منطقه حکایت دارند؛ هرچند جزئیات کامل این رایزنی‌ها به‌طور مستقل تأیید نشده است.
قطر نیز همچنان یکی از مسیرهای باقوه انتقال پیام میان تهران و واشنگتن به شمار می‌رود.
در کنار این دو کشور، روسیه با اعلام آمادگی برای مینانجی‌گری می‌کوشد نقش خود را در تحولات منطقه حفظ کند.

تصمیم قطعی با ابراز فشار؟

در سوی دیگر بحران، گزارش‌های نیویورک تایمز و وال استریت ژورنال از بررسی گزینه‌هایی برای ازسرگیری حملات آمریکا و اسرائیل حکایت دارند.
بر اساس این گزارش‌ها، اهداف احتمالی می‌تواند تأسیسات هسته‌ای، زیرساخت‌های انرژی و بخشی از ظرفیت موشکی و پهپادی ایران را دربرگیرد.
برخی روایت‌ها نیز از احتمال انجام عملیاتی کوتاه‌اما شدید پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا در سوم نوامبر خبر داده‌اند؛ با این حال، میان تدوین طرح نظامی، جابه‌جایی نیروها و صدور فرمان حمله تفاوت وجود دارد.
دیداریت هگست، وزیر جنگ آمریکا، با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، و گزارش‌ها درباره افزایش تمرین‌های نظامی و تقویت حضور نیروهای آمریکایی در منطقه، از حفظ آمادگی عملیاتی حکایت دارند؛ اما به‌تنهایی تصمیم قطعی برای آغاز جنگ را اثبات نمی‌کنند.
مواضع دونالد ترامپ نیز از وجود چند گزینه پیش روی واشنگتن حکایت دارد.
او از یک سو مدعی وارد آمدن خسارات سنگین به توانمندی‌های ایران شده و از سوی دیگر، احتمال اقدامات نظامی بیشتر را منتفی ندانسته است.
این وضعیت می‌تواند بازتاب تلاش دولت آمریکا برای حفظ گزینه‌های مختلف، از ادامه محاصره و فشار اقتصادی تا ازسرگیری حملات با اعلام پایان عملیات باشد.
پرسش اساسی این است که حملات احتمالی قرار است چه دستاوردی فراتر از تخریب بیشتر ایجاد کنند؟ اگر هدف، وادار کردن تهران به تغییر محاسبات هسته‌ای یا پذیرش شروط آمریکا باشد، هنوز تضمینی وجود ندارد که افزایش خسارات نظامی به چنین نتیجه‌ای منجر شود.

سه مسیر پیش رو

در مجموع، سه سناریو قابل تصور است. نخست، احیای محدود دیپلماسی از طریق توافق‌های مرحله‌ای درباره توقف خصومت‌ها، امنیت کشتیرانی و آغاز گفت‌وگوهای گسترده‌تر.
تحقق این مسیر به انعطاف دو طرف و ایجاد سازوکاری برای اجرای متقابل تعهدات نیاز دارد.
سناریوی دوم، تداوم وضعیت تعلیق است؛ یعنی ادامه محاصره و فشار اقتصادی در کنار ارتباطی.
این وضعیت می‌تواند از جنگ فوری جلوگیری کند، اما هزینه‌های اقتصادی و خطر محاسبه اشتباه را همچنان بالا نگه می‌دارد.
سناریوی سوم، ازسرگیری حملات و گسترش دامنه درگیری است.
حتی اگر عملیات اولیه محدود طراحی شود، پاسخ متقابل و اختلال در امنیت انرژی می‌تواند کنترل بحران را دشوار سازد.
در نهایت، فشار نظامی و اقتصادی به‌تنهایی تضمین‌کننده توافق نیست و ادامه مینانجی‌گری نیز بدون حل اختلاف بر سر ترتیب تعهدات، نتیجه‌ای قطعی نخواهد داشت.
مسئله تعیین‌کننده این است که آیا تهران و واشنگتن می‌توانند بر سر ترتیبی قابل اجرا توافق کنند که توقف پایدار درگیری را ممکن سازد.
در غیر این صورت، تلاش برای تحمیل اراده از طریق افزایش فشار ممکن است به‌جای پایان‌دادن به بحران، زمینه‌ساز دور تازه‌ای از جنگ شود؛ دوری که پیامدهای آن به ایران و آمریکا محدود نخواهد ماند.

«آرمان ملی» بیانیه جبهه پایداری برای خروج ایران از NPT را بررسی می‌کند

هزینه‌سازی تندروها برای کشور

◀ از بهم خوردن توازن بین‌المللی تا احتمال صدور قطعنامه جدید علیه ایران



مینانجی‌گری میان ایران و آمریکا به پیشرفت بینجامد. گرچه‌وی همچنان نسبت به حمله به تأسیسات هسته‌ای نیز همچنان سکوت کرده و باید پاسخ دهد چرا با وجود اینکه به آژانس در قبال این اتفاق سکوت کرده و آمریکا را محکوم نمی‌کند.
◀ تلاش برای خروج از NPT
در تهران اما تندروها دنبال راه‌هایی برای بستن تمام درهای مذاکره و روانه کردن کشور به سمت منازعه و جنگ هستند و در این مسیر از هیچ تلاشی مضایقه نمی‌کنند.
چنانکه چندی پیش حاجی دلیگانی نماینده شاهین‌شهر از آماده‌کردن طرح سه‌فوریته‌ی را برای خروج از NPT خبر داده بود.
در همین راستا جبهه پایداری هم در بیانیه‌ای خواستار خروج از NPT شده است.
در این بیانیه آمده: «تجربه سالیان اخیر و به‌ویژه دو جنگ تحمیلی اخیر ثابت کرده ساختارهای بین‌المللی مبتنی بر این پیمان، محور سوم، تبدیل ادعای دساتورد نظامی به تبعیض ساختاری و ناکارآمدی در تأمین حداقل‌های حقوق قانونی ملت شریف ایران شده‌اند.
کمترین حق ملت ایران از عضویت در این معاهده این بود که از فعالیت‌صلح‌آمیز هسته‌ای در سایه‌ت‌هایی که وضعیت آنها برای آژانس روشن بود، حمایت شود و در قبال بمباران آنها واکنشی از سوی آژانس در پی نداشته باشد، اما آژانس به سکوت هم قانع نشد و عمل‌انقش کاتالیزور را برای حملات علیه ایران بازی کرد و هم‌اکنون نیز در حال تداوم همین نقش است.»
جبهه پایداری دربارۀ ادامه عضویت ایران در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) در بیانیه خود اعلام کرده است که تجربه سه‌سال

همکاری جمهوری اسلامی ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشان داده این پیمان در بزنگاه‌های حساس نه‌تنها از حقوق و امنیت ملت ایران صیانت نکرده، بلکه به ابزاری برای افزایش فشار علیه کشور تبدیل شده است».
در بخش دیگر بیانیه درباره پیامدهای خروج ایران از پیمان (NPT) آمده است که اگرچه خروج از این پیمان ممکن است با فشارهای سیاسی و تحریم‌های تازه غرب همراه شود، اما منافع همچون پایان نظارت‌های یک‌طرفه، جلوگیری از جاسوسی و پهپانه‌تراشی برای تجاوز، تقویت بازدارندگی، حفاظت از تأسیسات و دانشمندان هسته‌ای و استقلال در بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای، بیش از هزینه‌های احتمالی آن خواهد بود.
این جبهه از نمایندگان مجلس و اعضای شورای عالی امنیت ملی خواسته روند قانونی و اجرایی خروج کامل ایران از پیمان (NPT) و توقف همکاری‌های فریپمایی را در سریع‌ترین زمان ممکن آغاز کنند و دکنترن دفاعی و نظامی کشور بازاریابی شود.
◀ پاس گل به آمریکا؟
مدت‌ها است که تندروها دنبال خروج ایران از NPT هستند حتی پیش از جنگ اخیر، بدون اینکه بدانند چگونه مشکلات بیشتری بر کشور تحمیل خواهد شد. نکته مهم ماجرا این است که تندروها فرایک وجه ماجرا را برجسته می‌کنند که اگر از NPT خارج شویم به قول خودشان از جاسوسی جلوگیری شده و پهپانه‌ای برای تجاوز به ایران در دست نخواهد بود و باعث افزایش قدرت بازدارندگی است، اما آن روی سکه را که از قضا مهم‌تر است نمی‌گویند که اگر از NPT خارج شویم چه چیزی در انتظار ایران

خواهد بود.
جبهه پایداری باید شفاف توضیح دهد که قبل از اینکه حفره‌ها و مسیرهای نفوذ مسدود شود، همانطور که چندی پیش وزیر امور خارجه در گفت‌وگویی به آن اشاره داشته، چگونه ممکن است خروج از NPT چنین نتیجه‌ای به دنبال داشته باشد و آیا این تصمیم دست آمریکا و ترامپ را بیش از پیش باز نخواهد کرد؟ به این دلیل که افکار عمومی جهان را به سادگی به سوی روایت خود خواهند کشاند.
یکی از مسائلی که آمریکا همواره نسبت به ایران با مشکل مواجه بوده این است که به خاطر عضویت ایران در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، نتوانسته چنین اجماعی در جهان ایجاد کند و جامعه جهانی را برای حمله به ایران قانع کند و هم‌اکنون نیز به جهت حملات به ایران در جنگ اخیر با فشارهای داخلی و خارجی مواجه است.
لذا تندروها باید از کلی‌گویی دست بردارند و دیدگاه خود را شفاف به افکار عمومی داخل ایران ارائه دهند که هزینه- فایده خروج از NPT چیست و چه تضمینی وجود دارد که اگر ایران از این پیمان خارج شود، دیگر شاهد تحریم‌های بیشتر، حملات گسترده‌تر یا اجماع جهانی علیه ایران نخواهیم بود؟ این سوال‌ها و سوالاتی از این دست واقعی‌تر از آن است که تندروها بتوانند پاسخ کلی و مبهم به آن پاسخ دهند.
اگر نگاهی مدیرانه و کارشناسانه به شرایط فعلی که در آن قرار داریم بیندازیم درخواست یافت که این اتفاق می‌تواند آخرین و بدترین اقدامی باشد که می‌تواند انجام شود، چراکه در شرایط حاضر که ایران از جهت مختلف در فشار قرار دارد و خروج از NPT می‌تواند دایره را بر ایران بسیار تنگ‌تر کند، چه اینکه ماده ۱۰ NPT اگرچه حق خروج را به رسمیت می‌شناسد، اما هیچ تضمینی نمی‌دهد که دولت خارج‌شونده از پیامدهای سیاسی، اقتصادی و حتی اقدامات سخت‌مصون بماند.
لذا باید هزینه‌های گزاف خروج از NPT را در نظر گرفت و با استنحش ابعاد آن تصمیم گرفت.
نمی‌توان تصانیل کرد که در دو دهه گذشته یکی از موانع اصلی شکل‌گیری اجماع جهانی علیه تهران، اختلاف نظر قدرت‌های بزرگ بر سر پرونده ایران بوده، چین و روسیه بر مبنای حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و حضور در NPT از ایران حمایت کرده‌اند.
خروج ایران از NPT این توازن را برهم می‌زند و فضا را به سمت تصویب قطعنامه‌های جدید شورای امنیت فراهم می‌کند و بعید نیست چین و روسیه هم به صف مقابل ایران بپیوندند.

«آرمان ملی» از نبرد روایت‌های بین ایران و آمریکا گزارش می‌دهد

پیروزی روی کاغذ، هزینه در میدان

ایران را به شدت تضعیف کرده است. محور دوم، نمایش قدرت و اثبات اراده آمریکا است. ترامپ می‌کوشد نشان دهد که آمریکا نه‌تنها توان آغاز جنگ، بلکه قدرت تعیین زمان و شرایط پایان آن را نیز دارد. او در ۲۳ اکتبر ۲۰۲۶ گفت آمریکا می‌تواند جنگ را سریع پایان دهد یا اجازه دهد به تدریج فروکش کند و افزود: «ما هر چیزی را که می‌خواهیم به دست می‌آوریم.»
محور سوم، تبدیل ادعای دساتورد نظامی به پیروزی سیاسی است. ترامپ می‌خواهد جنگ را اقدامی موفق برای جلوگیری از دست‌یابی ایران به سلاح هسته‌ای و کاهش تهدید علیه آمریکا معرفی کند؛ حتی اگر درباره میزان تحقق اهداف دیگر یا هزینه‌های جنگ اختلاف نظر وجود داشته باشد.
او همچنین می‌کوشد پیامدهای اقتصادی جنگ، از جمله افزایش قیمت انرژی، موقتی جلوه کند و پایان درگیری را زمینه‌ساز بازگشت ثبات معرفی کند.
در مجموع، روایت ترامپ بر این ادعا استوار است که آمریکا تهدید را شناسایی کرده، با قدرت به آن ضربه زده و اکنون می‌تواند شرایط را تقابل را تعیین‌کند. این روایت، توصیف ادعاهای دولت آمریکا است، نه اثبات تحقق آن.

واقعیت میدان

برای مقایسه روایت ترامپ با واقعیت، باید میان سه موضوع تفاوت بگذراند. آنچه ارتش آمریکا نتوانسته انجام دهد، آنچه دولت آمریکا می‌خواست به دست آورد و آنچه در نهایت از نظر راهبردی حاصل شده است. این سه یکسان نیستند. گزارش‌های منتشرشده نشان می‌دهند که حملات آمریکا و اسرائیل اهدافی مانند حل مسئله هسته‌ای، حذف ظرفیت موشکی ایران و بازگشت پایدار آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز، محقق نشده و ایران به خوبی نتوانسته عبور و مرور از تنگه هرمز را کنترل کند. ایران بنا به صلاح دید خود، به برخی کشتی‌ها اجازه عبور داده و به برخی اجازه عبور نداده است و در همین راستا اجازه ایجاد کریدور جنوبی را نداده است. به عبارت دیگر، سخن ترامپ با واقعیت همخوانی ندارد. ترامپ بارها مدعی شده که ایران تهدید فوری هسته‌ای بوده است. هرچند این حرف با حرف‌های قبلی او تضاد روشن دارد با این حال همین حرف هم مبنایی در واقعیت ندارد.

آرمان ملی – مرتضی خیابان‌زاد: پیچیدگی‌های جهان امروز اقتضا می‌کند که جنگ‌ها را منحصر به میدان درگیری نبینیم. اغلب جنگ‌ها بیرون از میدان نبرد و در محدوده ذهن‌ها هم با همان شدت جریان دارد. این وضعیت در برخی دوره‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در حال حاضر که جنگ در ظاهر متوقف شده اما فشار و مقاومت همچنان برقرار است، هر دو سوی ماجرا تلاش می‌کنند دقیق‌ترین روایت را مبتنی بر منافع خود ارائه دهند تا هم افکار عمومی خود را آرام کرد و در سوی دیگر افکار عمومی طرف مقابل را تحت تأثیر روایت خود قرار دهند. به عبارت دیگر جنگ‌ها تنها در میدان نظامی به پایان نمی‌رسند، گاهی پس از توقف درگیری‌ها، رقابت بر سر تعریف نتیجه جنگ آغاز می‌شود؛ رقابتی که در آن هر طرف می‌کوشد هزینه‌ها را به حاشیه براند و دستاورد‌های خود را برجسته کند. در چنین شرایطی با مسئله‌ای پیچیده روبه‌رو هستیم. این واضح است که روایت دو سوی ما چراغ متفاوت و حتی متضاد باشد با این حال مسئله پذیرش افکار عمومی داخل است و اینکه چطور می‌توان روایت آمریکایی‌ها را کم‌اثر کرد. پژوهشگران متعددی در این باره کار کرده‌اند. برای مثال آلایستر میکسیکمون و بن اولافین روایت راهبردی را چنین تعریف می‌کنند: «وسیله‌ای برای آنکه کنشگران سیاسی، معنایی مشترک از گذشته، حال و آینده سیاست بین‌الملل بسازند و از این طریق بر رفتار کنشگران داخلی و بین‌المللی تأثیر بگذارند.»

ادعاهای ترامپ

دونالد ترامپ که در تنگنای عجیبی گرفتار شده، در سخنرانی‌ها گفت‌وگو با رسانه‌ها پیوسته بر روایت خود اصرار دارد. روایت ترامپ را می‌توان در سه محور خلاصه کرد؛ رفع تهدید ایران، اثبات قدرت آمریکا و تبدیل نتیجه نظامی به پیروزی سیاسی. در این روایت، ایران تهدیدی برای امنیت آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن معرفی می‌شود؛ تهدیدی که به ادعای واشنگتن، از توان موشکی، برنامه هسته‌ای و حمایت ایران از گروه‌های مسلح منطقه ناشی می‌شود. ترامپ جنگ را اقدامی ضروری برای از بین بردن این تهدیدها معرفی کرده و مدعی است که حملات آمریکا توان نظامی

محمود واعظی درباره تجمعات شبانه مطر حر کرد

خیابان؛ عرصه حمایت از نظام



قائم مقام حزب اعتدال و توسعه درباره اینکه چرا رئیس‌جمهور مردم و انسجام ملی را بخشی از توان دفاعی کشور می‌داند، اظهار داشت: در دنیای امروز، مردم بزرگترین قدرت در کشورهای دموکراتیک به شمار می‌روند و رضایت، اعتماد و حمایت آنان از دولت و حکومت، نقشی تعیین‌کننده در استحکام پایه‌های حکمرانی و پیشبرد اهداف ملی ایفا می‌نماید و ضمن تقویت انسجام و هم‌افزایی در داخل کشور، پیام روشن و معناداری مبنی بر برخورداری نظام حکمرانی از پشتوانه مردمی به کشورهای خارجی منتقل می‌کند.
ایرنا نوشت؛ محمود واعظی گفت: از همین رو، رئیس‌جمهور و همه دلسوزان کشور تلاش می‌کنند با اطلاع‌رسانی به موقع درباره فعالیت‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های دولت، آگاهی عمومی را افزایش داده و زمینه جلب رضایت و حمایت مردم را هرچه بیشتر فراهم کنند.
رئیس دفتر رئیس‌جمهور در دولت دوازدهم با تأکید بر اینکه مسئولان کشور خدمتگزار همه مردم هستند، اظهار کرد: هرچه رضایت عمومی افزایش یابد و امید به آینده تقویت شود، زمینه برای گسترش حمایت مردم از دولت و حاکمیت نیز بیش از پیش فراهم خواهد شد. واعظی عنوان کرد: در شرایط کنونی که کشور در وضعیت غیرسازنده نه جنگ و نه صلح قرار دارد، حضور آگاهانه و حمایت مردم در صحنه، فراتر از یک کنش سازنده داخلی، واجد پیامی روشن در عرصه بازدارندگی و معادلات خارجی است. وی ادامه داد: چنانکه در جنگ‌های تحمیلی ۱۲ روزه و ۴۰ روزه نیز مردم عزیز با حضور در خیابان‌ها و اعلام حمایت از رزمندگان و دولت، بر ایستادگی جانفدایانه در دفاع از تمامیت سرزمینی و نظام خود تأکید کردند و نشان دادند که در بزنگاه‌های حساس، پشتیبانی مردمی از جایگاهی تعیین‌کننده برخوردار است و پشتوانه‌ای ارزشمند برای مسئولان در اتخاذ تصمیم‌های دشوار و عبور از انواع چالش‌های پیش‌رو به شمار می‌رود.
قائم مقام حزب اعتدال و توسعه بیان کرد: این هم‌راهی ملی، هنگامی که بر پایه اعتماد متقابل، انسجام مسئولیت‌ها و هم‌بستگی آینده شکل بگیرد، پیامی روشن از ثبات، اقتدار و اراده جمعی ملت به بیرون از مرزها مخابره می‌کند و محاسبات دشمنانه که بر تضعیف انسجام داخلی حساب باز کرده‌اند را مجدداً تحت تأثیر قرار دهد. این فعال سیاسی ادامه داد: لذا صیانت از این سرمایه یک نظیر اجتماعی، مستلزم توجه مستمر به مطالبات عمومی، تقویت امید، پاسخگویی مسئولانه و اثبات این واقعیت است که مردم نه صرفاً مخاطب تصمیم‌ها، بلکه صاحبان اصلی کشور و شریکان بنیادین در ساختن آینده آن هستند. وی درباره اینکه چگونه می‌توان خیابان را به عرصه انسجام ملی تبدیل کرد، گفت: ضروری است تا از مردم آگاه‌کنشورمان درس بگیریم؛ در نهم اسفند ۱۴۰۴، احادی از مسئولان، مردم را به خیابان نیاورد، بلکه مردم عزیز و فهیم به صورت خودجوش و در واکنش به تهاجم غیرقانونی آمریکایی‌ها صهیونی به کشور و شهادت قائد شهید ایران، در خیابان‌ها حضور یافتند.

تسویه حساب سیاسی!

سرپرست نهاد ریاست جمهوری در دولت دوازدهم خاطرنشان کرد: این حضور خودجوش در واکنش به تلاش دشمن برای تغییر حکومت شکل گرفت و مردم با سردادن شعارهایی علیه دشمنان و اعلام حمایت از رزمندگان غیور و جانفدا در سپاه و ارتش، مسئولان اجرایی کشور و حاکمیت، موضع میانه‌انه خود را به روشنی نشان دادند. واعظی با اشاره به تداوم حضور مردم برای بیش از ۲۰۰ روز، اظهار داشت: آنچه نباید فراموش کرد این است که در صدر اولویت‌ها قرار گیرد، ایران، نظام و همبستگی مردم است. خیابان با هدف مقابله با دشمنان بی‌اصول یعنی رژیم صهیونیستی و آمریکا شکل گرفته است نباید اجازه داد این حضور مقدس به عرصه تسویه حساب با یک‌پا، حذف شخصیت‌ها و چهره‌ها یا درگیری‌های داخلی تبدیل شود؛ چراکه نخستین پیامد چنین رویکرد غیرسازنده‌ای، فاصله گرفتن از اصل هدف و تضعیف همبستگی است که در شرایط حساس، از اصلی‌ترین سرمایه‌های ارزشمند کشور به شمار می‌رود. معاون پیشین وزارت امور خارجه وی تصریح کرد: هنگامی که هدف از حضور مردم در خیابان، مقابله با رژیم صهیونیستی و آمریکا تعریف شده است، نباید این عرصه به محلی برای طرح اختلافات سیاسی، تسویه حساب‌های داخلی یا تقابل با گروه‌ها و شخصیت‌های دیگر تبدیل شود. تغییر جهت این حضور از هدف اصلی، نه‌تنها از ظرفیت و اثرگذاری آن می‌کاهد، بلکه می‌تواند میان بخش‌های مختلف جامعه فاصله ایجاد کند و زمینه بهره‌برداری سوء دشمن از اختلاف‌های قطبی داخلی را فراهم سازد. واعظی تصریح کرد: البته حفظ انسجام ملی به معنای نادیده گرفتن تفاوت دیدگاه‌ها یا کنار گذاشتن نقد سازنده و مطالبه‌گری نیست، بلکه مستلزم تشخیص درست اولویت‌ها و پرهیز از اقداماتی است که در مقاطع حساس، سرمایه اجتماعی کشور را تضعیف می‌کند.
قائم مقام حزب اعتدال و توسعه افزود: ضروری است حسب هوشیاری و نهایت اهتمام در مسئولیت‌پذیری، همانگونه که رهبر انقلاب تأکید کرده‌اند، خیابان را به عنوان عرصه حمایت از ایران و نظام، اعلام مخالفت با دشمن و نمایش انسجام و اقتدار ملی حفظ کنیم و در نهم‌دهم شعارها و مواضع مطرح‌شده در این فضا، به عاملی برای شکل‌گیری اختلاف و تشدید اختلاف نظر داخلی تبدیل شود. واعظی تصریح کرد: آمادگی دفاعی و توان مذاکره، دو ابزار مکمل برای صیانت از منافع ملی هستند و نباید این دو را در تقابل با یکدیگر تعریف کرد.